



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ دیماه ۸۹

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۳۲

جلسه: 14

موضوع کلی: کتاب کافی

موضوع جزئی: خصوصیات مربوط به متن کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

یک مطلب دیگر در مورد معرفی اجمالی کتاب کافی باقی مانده که بعد از بیان آن وارد بحث اصلی مربوط به کتب اربعه می- شویم که بحث از اعتبار کتب اربعه می باشد که بالاخره روایات موجود در کتب اربعه اعتبار دارند یا نه؟ در جلسات گذشته امتیازات کافی در مقایسه با سایر کتب اربعه را بیان کردیم و همچنین خصوصیات مربوط به اسناد روایات کافی را هم بیان کردیم.

خصوصیات مربوط به متن روایات کافی:

خصوصیت اول:

۱) خصوصیت اول این است که مرحوم کلینی تا جایی که توانسته دقت کرده که لفظ احادیث را نقل کند و تصرف و نقل به معنا در روایات کافی نکرده، محقق کتاب در مقدمه‌ی کتاب کافی می گوید: ما چیزی که نشان دهد مرحوم کلینی در لفظ حدیث تصرف کرده باشد و یا روایت را نقل به معنا کرده باشد نیافتیم.

البته یک بحث کلی در مورد روایات وجود دارد که آیا روایاتی که از معصومین نقل شده، نقل به معنا هستند یا نقل به لفظ هستند و آیا الفاظی که ما در روایات با آنها مواجه می شویم از خود معصومین صادر شده و یا نقل به معنا شده، اگر عین الفاظ از معصومین صادر شده باشد به تک تک الفاظ و کلمات می توان استناد کرد مثلاً اگر چیزی که حقیقش این است که مؤخر باشد مقدم شود (تقدیم ما حقّه التأخیر)، افاده حصر می کند و همچنین در صورتی که عین الفاظ از معصومین باشد می توان به عموم و اطلاقات آن الفاظ استناد کرد ولی در صورتی که نقل به معنا شده باشد و الفاظ از معصومین نباشد نمی شود به آن الفاظ استناد کرد، پس خصوصیت اول مبتنی بر این است که تمام الفاظ روایات از معصومین صادر شده مگر این که خلاف آن ثابت شود، البته اصل این دیدگاه محل بحث است چون معمولاً راویان، در نقل مطالبی که می شنوند، عین الفاظ را نقل نمی کنند و نقل به معنا می کنند، حالا آیا این قاعده عمومی را در مورد کسانی که از معصومین روایتی را نقل می کنند می توان بکار برد یا نه؟ ظاهر این است که آنچه که در روایات ذکر شده الفاظی است که از خود معصومین صادر شده و راویان عمدتاً کسانی هستند که عین الفاظ معصومین را نقل کرده اند، مثلاً اینکه می گوئیم فلانی در نقل روایت دقت داشته و اضط بوده، در واقع به نوعی بر این مبنا استوار است که الفاظ روایات را صادر از خود معصوم بدانیم.

خصوصیت دوم:

۲) خصوصیت دوم این است که مرحوم کلینی معمولاً روایاتی را که مطابق با نظر خودش بوده نقل کرده، در زمان گذشته یکی از مشکلات خصوصاً برای کسانی که تخصصی در استفاده‌ی روایات نداشتند مشکل روایات متعارض بود که جمع بین روایات متعارض و استفاده از روایات متعارض کار هر کسی نیست، مرحوم کلینی در بین روایات، معمولاً روایاتی را نقل کرده که با نظر خودش موافق بوده و در بین روایات متعارض با توجه به مرجحات، یک طرف را ترجیح داده و آن را نقل کرده، مرجحاتی که مرحوم کلینی نقل می‌کنند عبارت است از: موافقت کتاب، مخالفت عامه و اجماع اصحاب که برای ترجیح بین روایات متعارض به یکی از این مرجحات اخذ می‌کند و در مواردی که مرجحی وجود ندارد از باب فرمایش امام معصوم که می‌فرماید: «بایهما اخذت» که دال بر تخییر است به یکی از دو طرف تعارض عمل می‌کند و یکی از دو روایت متعارض را اختیار می‌کند.

ولی غالباً اینچنین است که روایات متعارض را ذکر نمی‌کند اگر هم در مواردی متعارض روایات متعارض بشود به نوعی سعی در رفع تعارض می‌کند، این روش به عنوان یک خصوصیت در کتاب کافی اعمال شده ولی به نظر می‌رسد که مشکل ایجاد می‌کند یعنی یک جامع روایی که در مقام نقل روایات در همه فنون و علوم دین است چنانچه خود مرحوم کلینی در مقدمه کتاب کافی گفته است، باید همه روایات را جمع بکند، طبیعتاً آن دسته از روایاتی را که مرحوم کلینی کنار گذاشته است از این جامع حذف شده‌اند و در منظر کسانی که ناچارند به این کتاب مراجعه کنند قرار نگرفته است و این عیبی است که بر کافی وارد است، چه بسا روایاتی باشد که اگر کسی آنها را ببیند آنها را ترجیح دهد بر آنچه کلینی ترجیح داده است، لذا مرحوم شیخ طوسی در کتابهای خودش بعضی از روایاتی را که کلینی نقل نکرده ذکر کرده و بر اساس آنها هم فتوی داده یعنی به آن روایاتی که به نظر مرحوم کلینی باید ترک می‌شدند اخذ کرده، لذا این اشکالی است که بر کتاب کافی وارد است.

خصوصیت سوم:

۳) خصوصیت سوم ترتیب روایات هر باب است، مرحوم کلینی روایات هر باب را بر اساس ترتیب، تنظیم کرده، البته ترتیب و تنظیم و دسته بندی در تمام جوامع روایی هست اما در کافی روایاتی که در هر بابی از ابواب ذکر شده بر اساس یک ضابطه و ملاک خاصی تنظیم شده، حالا در اینکه ملاک تنظیم و ترتیب روایات چه چیزی بوده اختلاف است.

الف) بعضی وضوح دلالت و قوت دلالتی را ملاک تنظیم و تقدیم قرار داده‌اند و گفته‌اند هر روایتی که دلالت آن قوی‌تر باشد در صدر قرار می‌گیرد و به ترتیب، روایات بعدی ذکر می‌شوند که دلالت روایات بعدی به قوت روایت اول نیست تا به روایت آخر می‌رسد که روایات آخر حتی ممکن است دچار اشکالات دلالتی هم باشد.

ب) بعضی ملاک تقدیم را صحت سندی و قوت سندی ذکر کرده‌اند یعنی گفته‌اند مرحوم کلینی در ابتدای هر بابی روایاتی را نقل کرده که سناً از روایات دیگر قوی‌ترند، لذا هر چه به آخر باب نزدیک‌تر می‌شویم سند روایات از قوت کمتری برخوردارند.

پس در اصل اینکه روایات هر بابی با یک ملاکی تنظیم شده اختلافی نیست ولی در اینکه ملاک تقدیم چیست اختلاف است، بعضی ملاک را قوت دلالتی می‌دانند و بعضی دیگر ملاک را قوت سندی ذکر کرده‌اند، اما در اینکه به کدام یک از دو ملاک فوق‌الذکر قاعده کلی وجود ندارد بلکه آنچه به نظر می‌رسد این است که شاید تلفیقی از هر دو ملاک در تنظیم و تقدیم روایات رعایت شده باشد یعنی نوعاً آنهایی که از نظر دلالت قوی‌ترند در صدر قرار گرفته و در کنار قوت دلالتی به قوت سندی هم، توجه شده، لذا نمی‌توان یک معیار قاطع را برای تنظیم و تقدیم روایات ذکر کرد ولی آنچه را یقیناً می‌توان گفت این است که: در تنظیم روایات، هر دو جهت قوت سندی و دلالتی لحاظ شده، البته خود مرحوم کلینی در جایی تصریح به این مطلب نکرده است ولی از این جهت که خود مرحوم کلینی در مقدمه کافی می‌گوید روایاتی را که در این کتاب آورده‌ام آثار صحیحه است فهمیده می‌شود که کافی مشتمل بر روایات ضعیف نمی‌باشد، پس اگر بخواهیم به این استناد بکنیم باید بگوییم ترتیبی که در ابواب کافی برای ذکر روایات وجود دارد ترتیب دلالتی است یعنی روایاتی که در ابتدا ذکر شده از جهت دلالت قوی‌ترند از روایاتی که بعداً ذکر شده، پس اگر خواسته باشیم یکی از دو ملاک فوق‌الذکر را انتخاب بکنیم طبق قرائنی که از کلام خود مرحوم کلینی استفاده می‌شود ملاک اول (قوت دلالتی) را انتخاب می‌کنیم.

خصوصیت چهارم:

۴) خصوصیت چهارم این است که مرحوم کلینی در بعضی از موارد نسبت به بعضی از روایات، اضافاتی دارند یعنی روایاتی را که نقل کرده متضمن ذکر بعضی از مطالب توسط خود ایشان می‌باشد.

حالا این مطالبی که مرحوم کلینی اضافه کرده یا جنبه‌ی شرح و توضیح دارد که این منحصر به کتاب کافی نیست و یا در جایی اظهار نظر صریح خود مرحوم کلینی است و یا اینکه حتی در بعضی از مواقع نظر راویان آن حدیث را هم، نقل کرده مثلاً گفته که ابن ابی عمیر این را فرموده است و به بیان و نظر بعضی از راویان که در سلسله سند روایات قرار گرفته‌اند تصریح کرده که مثلاً فلانی این را گفته است که این بیشتر به توصیف کتاب کافی کمک می‌کند و نمی‌تواند یک خصوصیت برای کتاب کافی باشد چون خصوصیت به چیزی می‌گویند که یک برجستگی نسبت به سایرین داشته باشد.

خصوصیت پنجم:

۵) خصوصیت پنجم تقطیع در روایات کافی است که این مورد هم منحصر به کتاب کافی نیست. شاید بتوان گفت در تبویب و دسته‌بندی روایات در جوامع، این یک امر اجتناب‌ناپذیر است چون وقتی در جوامع روایی مسئله دسته‌بندی روایات پیش می‌آید و مجبور می‌شوند روایات را در موضوعات و ابواب مختلف قرار بدهند طبیعتاً در یک روایتی که مشتمل بر چند موضوع هست (مخصوصاً روایات طولانی) اگر تمام روایت، در هر موضوعی کاملاً تکرار می‌شده مناسب نبوده، مثلاً در جایی که یک فقره از روایت مورد استناد هست مناسب نیست که دوباره تمام آن روایت را در آن باب تکرار کنند لذا به نظر می‌رسد به طور کلی در همه جوامع روایی تقطیع روایات، یک امر ضروری است که در هر باب و هر موضوعی بخشی از روایت را که مورد استناد هست ذکر بکنند و کتاب کافی هم از این روش مستثنی نیست، گاهی از اوقات صاحبان

جوامع روایی به این تقطیع تصریح می‌کنند ولی نوعاً بالصراحه به تقطیعی که صورت گرفته اشاره نمی‌کنند، لذا بعضی از اوقات این موجب اشتباه می‌شود و گمان می‌شود که آنچه تقطیع شده روایت مستقلی هست، به هر حال باید دقت شود که ممکن است در روایت قرائتی باشد که به فهم روایت کمک بکند و با تقطیعی که در روایت صورت می‌گیرد آن قرائن از دیده‌ها پنهان بماند و مراد و مقصود روایت فهمیده نشود

اعتبار کتاب کافی:

تا اینجا اجمالاً خصوصیات که لازم بود در مورد متن و سند کتاب کافی گفته شود را عرض کردیم اما بحث مهم، بحث اعتبار و ارزش کتاب کافی هست، البته در انتساب کتاب کافی به مرحوم کلینی هیچ شبهه‌ای وجود ندارد یعنی در اصول و فروع کافی شبهه‌ای نیست که مرحوم کلینی نوشته است فقط درباره روضه‌ی کافی بعضی اشکال کرده‌اند که آن را مرحوم کلینی ننوشته، که این هم قابل اعتنا نیست و به این حرف اعتنا نشده است، حال باید ببینیم روایات کافی تا چه حدی قابل اعتماد است، همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم در اینجا دو دیدگاه وجود دارد، بعضی می‌گویند تمام روایات کافی قابل اعتماد است و در مقابل بعضی دیگر می‌گویند اینطور نیست که تمام روایات کافی مورد اعتماد باشد.

بحث جلسه آینده: بررسی اعتبار روایات کافی خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»